

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

مدینه فاضله افلاطون و فارابی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش: فلسفه اسلامی

نگارش: محمد جواد احمدی

استاد راهنما؛ دکتر سید حسین شرف الدین

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین دکتر فاضل حسامی

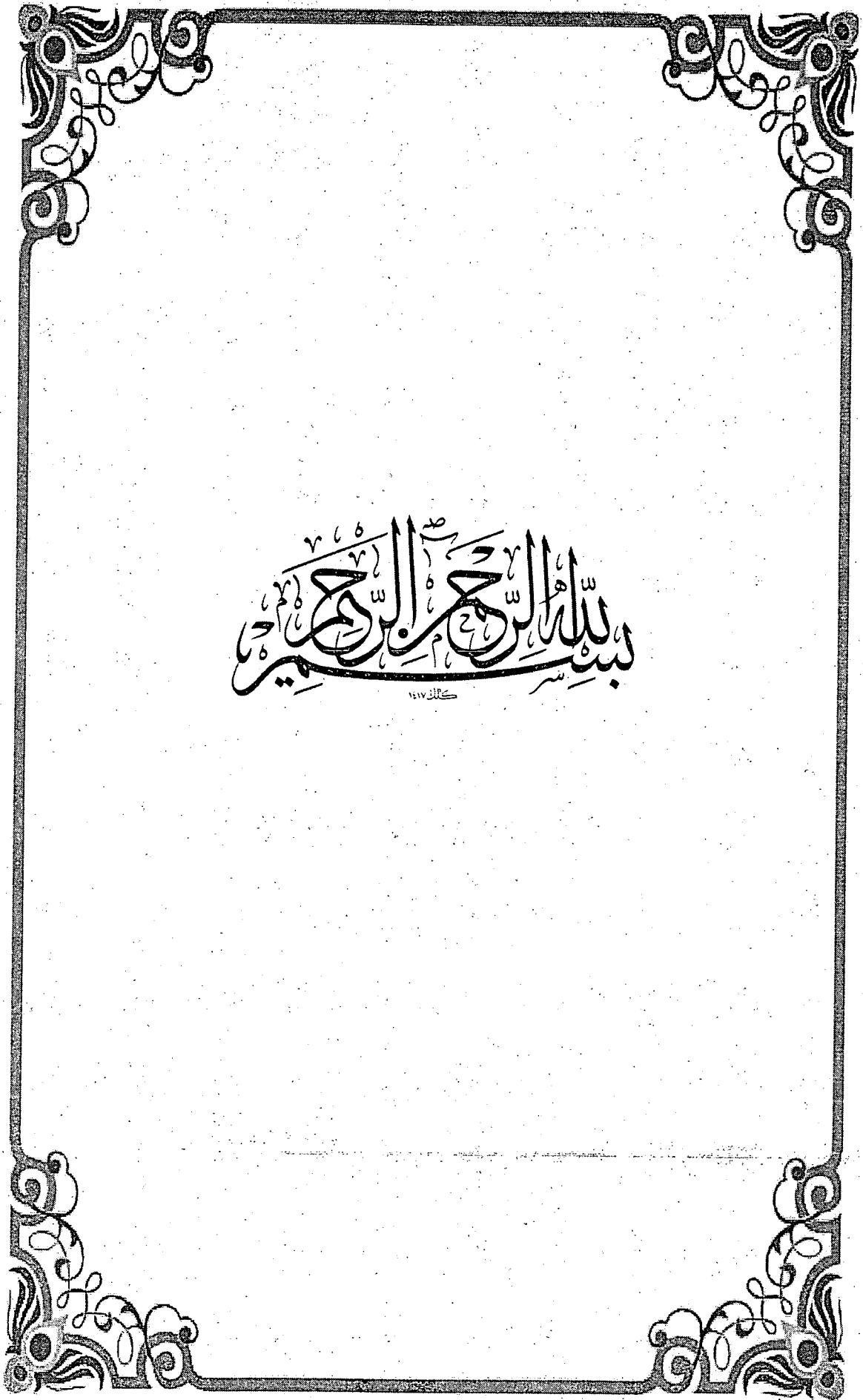
آذر ۱۳۸۵

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۳۲۴
تاریخ ثبت:

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه ، به عهده نویسنده می باشد.

□ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع ، بلاشکال است و نشر آن

در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و سپاس

(من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق)

بی شک تدوین این رساله مدیون زحمات عده‌ای از بزرگوارانی است که از ابتدا تا انتهای آن از هرگونه مساعدت و همکاری دریغ نورزیده‌اند. در این میان، نام‌های مبارک اساتید گرانقدر و معظم دکتر سید حسین شرف الدین به عنوان استاد راهنما و جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر فاضل حسامی به عنوان استاد مشاور، می‌درخشند.

جا دارد از اساتید بزرگوار راهنما و مشاور، مرکز جهانی علوم اسلامی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، واحد پایان‌نامه مدرسه، گروه فلسفه و کلام مدرسه و نیز تمامی عزیزانی که در این راه این جانب را یاری رسانده‌اند کمال تقدیر و تشکر را ابراز دارم. و برای همه، از درگاه لایزال الهی آرزوی سعادت و موفقیت نمایم.

تقدیم

این اثر ناچیز را به؛
ساحت مقدس و وجود نازنین آخرین ذخیره الهی،

حضرت ولی عصر (عج)

تقدیم می‌نمایم.

باشد که امام زمان (عج) هرچه زودتر ظهور نماید و مدینه فاضله واقعی
به دست مبارکش تشکیل گردد.

و امیدوارم که این تلاش کوچک مقبول حق قرار گرفته و خداوند این
حقیر را در ادامه تحصیل علوم دینی توفیق عنایت فرماید.

چکیده

مدینه فاضله، یعنی جامعه‌ای که از هر جهت برتر و متفاوت از جوامع دیگر و دارای امتیازات و برجستگی‌های استثنایی که تمام خواسته و آرزوهای انسان در آن، تبلور یافته است.

افلاطون چنین جامعه‌ای را در چهره ۱) طبقاتی بودن آن؛ ۲) اشتراکی بودن زنان و اموال در میان جنگجویان؛ ۳) زعامت و رهبری فلاسفه، جستجو می‌کند. در این نظام قدرت سیاسی به یک قشر خاص اختصاص دارد و انتقال و جابجایی آن به طبقات دیگر جایز نیست.

بنیاد اساسی این بینش را باورهای جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه افلاطون تشکیل می‌دهد که معتقد است، انسان‌های هر طبقه به لحاظ سرشتی و ماهیت متفاوت از یکدیگر و برای وظایف خاص آفریده شده‌اند. و به وجود ذاتی قادر نیستند وظایف طبقات دیگر را انجام دهند. همین امر اقتضا می‌کند که برای جلوگیری از اختلال در نظام اجتماعی، هر طبقه را در جایگاه شایسته‌اش قرار داده و موظف به وظیفه خودش نماییم.

عدالت که بر تارک نظام سیاسی افلاطون همچون ستاره‌ای می‌درخشد، نیز در همین چارچوب تفسیر و قرائت می‌گردد.

برجسته‌ترین ویژگی‌های مدینه فاضله، از نظر فارابی، حاکمیت فیلسوف در پرتو اجرای احکام اخلاقی برخاسته از آموزه‌های دینی، به شمار می‌رود. در این تفسیر جامعه دقیقاً حکم بدن سالم را دارد که رهبری به منزله قلب آن به شمار می‌رود. همان‌گونه که بدن وقتی به مرضی مبتلا گردد، نیاز به طبیب خواهد داشت. طبیب جامعه، همان حاکم است که در صورت واجد بودن شرایط به خوبی از عهده این کار برخواهد آمد.

از این رو، می‌توان گفت فارابی، برای حاکمیت نقش تربیتی قوی قائل است. آموزه‌های سیاسی فارابی نیز از بطن دیدگاه هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه غایت‌شناسانه وی سر برمی‌آورد. هستی در نظام فکری فارابی دارای سلسله مراتبی است که از عالی به دانی ختم می‌شود. از آنجایی که فارابی غایت آفرینش انسان را نیل به سعادت می‌داند، و خود در مکتب انبیا پرورش یافته است، بهترین نوع جامعه در نظر او جامعه‌ای است که بر مبنای دین و اخلاق باشد. در رأس همه آنها، عدالت و سعادت اداره گردد.

به طور کلی، مدینه فاضله افلاطون و فارابی، در نظام سلسله مراتبی، در ضرورت اخلاق و عدالت و سعادت با هم مشابهت دارد، ولی موارد تفاوت این دو دیدگاه، کم نیست؛ از جمله افلاطون قایل به اشتراکی بودن زنان و اموال برای سربازان است، در حالی که نظام سیاسی فارابی چنین چیزی را تجویز نمی‌کند. طبقاتی بودن جامعه نیز از موارد اختلافی دو دیدگاه است.

فصل اول: کلیات

۲	۱. طرح موضوع و تعریف مسئله
۳	۲. ضرورت و اهمیت تحقیق
۳	۳. پرسش‌های تحقیق
۴	۴. اهداف تحقیق
۴	۵. فرضیه‌های تحقیق
۴	۶. روش تحقیق
۴	۷. مفاهیم کلیدی
۴	۷ - ۱. مدینه
۴	مدینه در لغت
۵	مدینه در اصطلاح
۷	۷ - ۲. تمدن و مدرنیته
۹	۷ - ۳. فاضله
۱۰	۷ - ۴. مدینه فاضله
۱۱	۸. پیشینه بحث

فصل دوم: مدینه فاضله افلاطون

۱۵	بیوگرافی افلاطون
۱۸	مدینه فاضله از دیدگاه افلاطون
۱۸	نظام‌های سیاسی از نظر افلاطون
۱۹	حکومت اشراف
۱۹	حکومت متفاخران
۲۰	حکومت ثروتمندان
۲۱	حکومت مردم بر مردم

۲۳	حکومت ستمگران (جباران)
۲۳	نظام مطلوب افلاطون
۲۶	مبانی اندیشه‌های افلاطون
۲۶	۱. هستی‌شناسی
۲۷	ویژگی‌های ایده (مثل) جهان‌شناسی
۲۹	۲. معرفت‌شناسی
۳۰	۳. انسان‌شناسی
۳۱	فرد و اجتماع
۳۴	انسان موجود مدنی الطبع
۳۷	ارکان مدینه فاضله افلاطون
۳۷	۱. عدالت
۳۸	نظریه اول
۳۹	نظریه دوم
۴۰	نظریه سوم
۴۱	نظریه چهارم (افلاطون)
۴۲	۲. رهبری
۴۶	خصوصیات فیلسوف زمامدار
۴۶	الف) درک حقایق
۴۷	ب) خویش‌داری
۴۷	ج) دور بودن از فرومایگی
۴۷	د) اعتدال و میانه‌روی
۴۸	تمثیل غار
۵۱	۳. قانون
۵۲	هدف قانون

۵۳ ۱. خیر و صلاح عمومی
۵۳ ۲. توجه به فضیلت آدمیان
۵۴ الف) شجاعت
۵۴ ب) دانش و آگاهی
۵۴ ج) قانون‌پذیری
۵۵ د) زندگی ایده‌آل
۵۶ هـ) قاطعیت در قانون
۵۷ ۴. پاسداران
۵۸ ۵. نهاد آموزش و پرورش
۵۸ تربیت و تربیت از دیدگاه افلاطون
۵۹ تأثیر جامعه در تربیت افراد
۵۹ تأثیر افراد در سلامت جامعه
۶۰ ۶. تأثیر طبقاتی در مدینه افلاطون
۶۱ ۶. خانواده
۶۱ نظریه خانواده اشتراکی
۶۲ ۷. اقتصاد
۶۳ نقد اندیشه‌های افلاطون
۶۶ نقاط مثبت نظریات افلاطون
 فصل سوم: مدینه فاضله فارابی
۷۰ زندگینامه فارابی
۷۳ آثار علمی فارابی
۷۵ عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت علمی و فکری فارابی
۷۶ تأثیر فارابی بر اندیشمندان بعد از او
۷۷ مدینه فاضله از نظر فارابی

۷۷	فارابی، فیلسوف اخلاق مدار
۷۸	نکات اساسی در تعریف فارابی
۸۰	انواع مدینه از دیدگاه فارابی
۸۰	۱ - مدینه جاهله
۸۱	الف) مدینه الضروریه
۸۱	ب) مدینه نذاله
۸۱	ج) مدینه خست
۸۱	د) مدینه کرامت
۸۳	ه) مدینه تغلب
۸۵	و) مدینه جماعیه (شهر توده‌ها)
۸۹	۲ - مدینه ضاله
۸۹	۳ - مدینه فاسقه
۹۰	۴ - مدینه مبادلله
۹۰	مبانی نظری اندیشه‌های سیاسی فارابی
۹۰	۱. جهان‌شناسی
۹۱	نحوه صدور فیض کثیر از واحد (فیض)
۹۲	طبقه‌بندی موجودات در ایده‌ی فارابی
۹۳	۲. معرفت‌شناسی
۹۴	۱. معرفت فطری
۹۴	۲. معرفت حسی
۹۴	۳. معرفت عقلی
۹۴	۴. معرفت اشراقی
۹۵	۳. انسان‌شناسی
۹۹	مفهوم علم مدنی از نظر فارابی

۱۰۲	زیست اجتماعی، ریشه‌ها و دیدگاه‌ها
۱۰۲	۱. ضرورت اضطرار
۱۰۳	۲. دیدگاه طبیعی - غریزی
۱۰۳	۳. دیدگاه طبیعی - عقلانی
۱۰۳	فارابی و روش‌های زیست اجتماعی انسان
۱۰۳	۱. فردگرایی
۱۰۴	۲. ضرورت اجتماع برای ادامه حیات
۱۰۴	۳. استخدام و بندگی
۱۰۴	۴. طبیعتی مبتنی بر غریزه
۱۰۶	۵. دیدگاه فارابی در ضرورت اجتماع
۱۰۷	هویت جامعه
۱۰۸	فارابی و ارگانیسم اجتماعی
۱۰۹	جوامع انسانی از نظر فارابی
۱۰۹	الف) جوامع از نظر کمی
۱۱۰	۱ - جماعت عظمی
۱۱۰	۲ - جماعت وسطی
۱۱۰	۳ - جماعت صغری
۱۱۱	ب) تقسیم اجتماع بر اساس کیفی
۱۱۱	رهبری در مدینه فاضله
۱۱۴	انواع ریاست
۱۱۴	اوصاف رئیس مدینه فاضله
۱۱۵	رئیس مماثل
۱۱۶	شورای رهبری
۱۱۶	رئیس السنن

وظایف رئیس	۱۱۷
۱ - گسترش اخلاق نیکو	۱۱۷
۲ - مدیریت	۱۱۷
۳ - هدایت‌گری	۱۱۷
۴ - ایجاد انگیزه	۱۱۷
نهادهای حکومتی	۱۱۷
۱. نهاد فرهنگی	۱۱۸
الف) حکیمان	۱۱۸
ب) متعقلان	۱۱۸
ج) ذو‌اللسنه	۱۱۸
د) نهاد آموزش و پرورش	۱۱۹
۱. مقام و جایگاه تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی	۱۱۹
۲. تعریف تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی	۱۱۹
۳. مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی	۱۲۰
الف) مبنای دینی	۱۲۰
ب) مبنای اجتماعی	۱۲۱
ج) مبنای روان‌شناختی	۱۲۱
د) مبنای علمی	۱۲۱
۴. اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی	۱۲۱
الف) اصل تفاوت‌های فردی	۱۲۱
ب) اصل همگانی بودن	۱۲۲
ج) اصل تخصص	۱۲۲
د) اصل محبت	۱۲۲
۵. اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی	۱۲۳

۱۲۳	الف) هدف جسمانی
۱۲۳	ب) هدف اخلاقی
۱۲۴	ج) هدف عقلانی
۱۲۵	۲. نهاد مقتدرون
۱۲۵	۳. نهاد نظامی
۱۲۵	۴. نهاد مالی (بخش اقتصاد)
۱۲۷	تقسیم کار بر اساس تخصص
۱۲۸	ویژگی مدینه فارابی
۱۲۸	۱. تعاون
۱۲۸	۲. خدا هدف نهایی
۱۲۹	۳. شناخت خدا
۱۲۹	۴. با فضیلت بودن مردم
۱۲۹	۵. عدالت
۱۳۰	۶. محبت و الفت
۱۳۰	۷. زندگی مسالمت آمیز
۱۳۱	نوابت
۱۳۱	۱ - مقتنصان (شکارگران)
۱۳۲	۲ - محرفه
۱۳۲	۳ - مارقین
۱۳۲	۴ - گمراهان
۱۳۲	وظایف دولت در قبال نوابت
	فصل چهارم: مقایسه دو دیدگاه
۱۳۵	مقدمه
۱۳۷	محدودیت های تاریخی

۱۳۹	مقایسه مدینه فاضله دو فیلسوف
۱۴۱	اجتماع و حکومت
۱۴۴	طبقات اجتماع
۱۴۷	چه کسی باید حکومت کند؟
۱۵۰	ویژگی‌های حاکم از دیدگاه افلاطون و فارابی
۱۵۱	تفاوت‌ها
۱۵۴	مضادات مدینه فاضله
۱۵۵	تفاوت‌ها
۱۵۶	مقایسه مدن افلاطون و فارابی
۱۵۶	مروری بر فصل چهارم
۱۵۶	شبهت‌ها
۱۵۷	تفاوت‌ها
۱۵۸	نتیجه‌گیری
۱۶۴	فهرست منابع

فصل اول

کلیات

۱. طرح موضوع و تعریف مسئله

زندگی ما انسانها، مملو از کاستی‌ها، ناکامی‌ها، تلخی‌ها و مرارتها است؛ گویا اینکه خمیر مایه ما آدمیان با رنج و محنت سرشته شده است. با این همه وقتی به اجتماع پا می‌گذاریم انبوهی از بی‌مهری‌ها، نامردی‌ها، ظلم‌ها، قتل و غارتها و... را مشاهده می‌کنیم که بسی دردآورتر از آن مصیبت‌هاست. و همچون شلاقی کوبنده بر روح انسان فرود می‌آید.

با این همه، تا کنون کمتر به این مسئله پرداخته‌ایم و گرفتاری‌های زندگی به ما کمتر فرصت داده است که در این مورد تأمل نماییم که «زندگی اجتماعی» خود را چگونه سر و سامان دهیم و روابط و مناسبات ما با اطرافیان بر چه مبنایی تنظیم گردد، مسئولیت‌ها را به چه کسانی بسپاریم، چه اصول و معیارهایی در روابط ما با آنها حاکم باشد و... تا جامعه ایده‌آل، خالی از پستی‌ها و پلیدی‌ها، غصب و تجاوز، تحکم و بی‌عدالتی و هر گونه رفتار ضد انسانی داشته باشیم تا چند روز زودگذر زندگی را آسوده خاطر و به دور از دغدغه‌های ملال‌آور و افسرده‌کننده زندگی کنیم؟

بنابراین، «مدینه فاضله» یعنی آرمان شهر، یعنی جامعه‌ای که زندگی در آن بر مبنای عدالت، انصاف، عطف و مهربانی، برادری و انسان‌دوستی می‌چرخد. ظلم به کسی روا داشته نمی‌شود و از هر گونه پستی و پلیدی و اخلاق ضد انسانی به دور است و..

انسان همواره آرزو داشته است که چنین شهر و جامعه‌ای داشته باشد و برای تحقق آن تا حدی تلاش هم کرده است، ولی متأسفانه در کار خود هرگز توفیق نداشته، عوامل زیادی در این امر مؤثر بوده که در صدد احصاء آنها نیستیم. اما یکی از آنها - که شاید از همه مهمتر باشد - این است، در این مورد، به صورت جدی و جامع، هیچ‌گاه نیاندیشیده است. در حالی که هم برای حل خود مسئله باید یک حرکت جمعی داشته باشیم و هم پس از آنکه طرح آماده شد، انگیزه جمعی برای پیاده کردن آن وجود داشته باشد.

بنابراین، طرح مدینه فاضله یا آرمان شهر، مهمترین مسئله ما انسانهاست و باید در مورد آن به صورت جدی و جمعی فکر کنیم، از اندیشه همدیگر کمک بگیریم تا بتوانیم طرح جمعی را ارائه دهیم. یکی از راه‌ها آن است که در آنچه از پیشینیان بر جای مانده است بازاندیشی کنیم. خوشبختانه گذشتگان ما با اینکه گرفتاری‌های روزمره زندگی کمتر برای ایشان فرصت اندیشیدن و فکرکردن می‌داده است، آثار بسیار ارزشمندی در این زمینه از خود بر جای نهاده‌اند.

بررسی آثار آنان، وقت بسیار می‌طلبد و فرصتی دیگر، و این پایان‌نامه هم ظرفیت آن را ندارد که تمام آنها را با آثارشان به صورت تفصیلی فهرست کند، چه رسد به بررسی آراءشان. بنابراین مناسب‌ترین راه این است که دو تن از برجسته‌ترین و شاخص‌ترین چهره‌ها را از میان آنان گزینش کرده، آراءشان را در این خصوص مورد مطالعه قرار دهیم تا ببینیم توصیه و پیشنهاد آنها در مورد بهترین روش زندگی اجتماعی و الگوی حکومت‌داری چیست؟ و چه نسبتی با زندگی امروزی ما دارد؟!

۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

ما انسانها هیچ کاری را تا ضرورتش را احساس نکنیم انجام نمی‌دهیم، بلکه انجام آن را لغو می‌دانیم. و هر قدر احساس ضرورت انجام یک کار برای ما شدت پیدا کند، اهمیت آن نیز برای ما افزایش می‌یابد. کاری را که درصدد انجامش هستیم نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. بنابراین خوب است که ابتدا از خود بپرسیم انجام این کار چه ضرورتی دارد؟

پاسخ روشن است: زیرا همان‌گونه که اشاره کردیم، اندیشیدن در این مورد که چگونه می‌شود یک نظام اجتماعی را به وجود آورد که همگی در زندگی خود احساس امنیت و آرامش کنند و... برای ما انسانها از مهمترین و حیاتی‌ترین مسائل است، دستیابی به پاسخ صحیح این پرسش زمانی میسر است که هم‌اندیشی داشته باشیم و از حاصل فکر و اندیشه یکدیگر استفاده کنیم.

میراث فکری گذشتگان جزء منابع فکری ما به شمار می‌رود که ما با تکیه بر آنها می‌توانیم بسیاری از مشکلات خود را حل کنیم. و راه آن این است که در قدم اول آن میراث را زنده کنیم و بشناسانیم.

۳. پرسش‌های تحقیق

وقتی در مورد مدینه فاضله افلاطون و فارابی، تأمل می‌کنیم این پرسش‌ها برای ما مطرح می‌شود:

۱. مدینه فاضله مورد نظر آنان چه اوصافی دارد و بر چه پایه‌هایی استوار است؟
۲. مبانی جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی آنان چیست؟
۳. آیا این دو آرمان‌شهر، هیچ‌گونه تناسبی با هم دارند؟ یا خیر با هم تفاوت‌های بنیادین دارند؟
۴. چه عوامل خانوادگی، اجتماعی و سیاسی موجب شد که این دو متفکر، دست به طراحی مدینه فاضله بزنند؟

۵. آیا به لحاظ عملی، امکان دارد که مدینه فاضله افلاطون و فارابی تحقق عینی پیدا کند؟

۴. اهداف تحقیق

این پژوهش چند هدف را دنبال می‌کند:

۱. ارائه اصول صحیح کشورداری با تکیه بر آراء پیشینیان.
۲. تطبیق و مقایسه آراء دو اندیشمند برجسته یعنی افلاطون و فارابی، و نشان دادن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، تعیین موارد نقص و برجسته اندیشه آنان و در نهایت فراهم آوردن زمینه بازاندیشی و هم‌اندیشی در این مسئله.
۳. فراهم ساختن بستری برای طراحی یک نظام صحیح سیاسی و جامعه‌ای به دور از ظلم و تبعیض و ...

۵. فرضیه‌های تحقیق

۱. آنچه را که افلاطون مدینه فاضله می‌داند، با آنچه که فارابی مدینه فاضله می‌خواند، از لحاظ بعضی اوصاف و ساختار با یکدیگر انطباق دارد؛ اما تفاوت‌هایی نیز میان آنها وجود دارد.
۲. تفاوت‌های دو مدینه فاضله افلاطون و فارابی از مبانی جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و غایت‌شناسی آنان نشأت می‌گیرد.

۶. روش تحقیق

در این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای، تحلیلی و توصیفی بهره گرفته شده است. بدین صورت که ابتدا به منابع موجود در کتابخانه‌ها مراجعه، مطالعه و فیش‌برداری شده و پس از آن، تحلیل و مقایسه بین آنها صورت گرفته است.

۷. مفاهیم کلیدی

۷ - ۱. مدینه

مدینه در لغت

مدینه، یک واژه عربی است، در رابطه با معنای لغوی آن آمده است؛ مدینه بر وزن فَعِيلَةٌ و جمع آن مَدَائِنٌ و مَدُنٌ، با تخفیف دال و تثقیل آن، به معنای حصن و حصار است که در وسط زمینی بنا شده باشد و هر زمینی که در وسط آن حصنی سازند مدینه گویند. و برای مدینه حضرت ختمی مرتبت نیز

به خاطر عظمت آن و از باب غلبه، مدینه گفته می‌شود.^۱

علامه سعید شرتونی می‌گوید:

مدینه به شهر جامع گفته می‌شود و بر وزن **فَعِيلَةٌ**. از ریشه **مَدَن** به معنای **اقام** است و گفته شده که بر وزن **مَفْعَلَةٌ** به فتح میم از **دَان** است و جمع آن **مَدَن**، به معنای امت هم به کار می‌رود.^۲

فرید وجدی می‌گوید: **مَدَن** بالمکان **يَمَدَنُ مَدُونٍ** به معنای اقام (به معنای زندگی کردن و اقامت کردن) و **مَدَّنَ المَدَائِنَ** به معنای شهر کردن و بنا کردن است.^۳

در لغت یونان معادل مدینه عربی واژه **(POLIS)** آمده است و به سرزمینی گفته می‌شود که محدود بوده و دارای قانون و حکومت قانونی می‌باشد. لذا ارسطو در کتاب «سیاست» می‌نویسد: **(POLIS)** هر شهری هم‌چنان‌که می‌دانیم نوعی اجتماع است که به قصد خیر برپا می‌گردد؛ زیرا آدمی همواره می‌کوشد تا کاری را انجام دهد که خود نیکو می‌پندارد، اما اگر جوامعی هم به پاره‌ای از خیر نظر دارند آن جامعه‌ای که بالاتر از همه و فراگیرنده همه جوامع دیگر است و خیر برین را می‌جوید، این گونه جامعه است که شهر یا اجتماع سیاسی نام دارد.^۴

مدینه در اصطلاح

مدینه یعنی شهر، و آن که از بخش‌های فلسفه باستان مربوط به سیاست مدینه و یکی از بخش‌های سه‌گانه حکمت عملی است که فلاسفه با اقتباس از فلسفه یونانی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در یونان باستان هر جزیره و شهری دارای حاکم و سلطانی جداگانه بوده است؛ بنابراین، از نظر آنان کشور یعنی شهر، از این‌رو شهرهای آن روز یونان به نام دولت‌شهر معروف‌اند. به هر حال، مدینه یعنی شهر، زندگی مدنی، یعنی زندگی شهرنشینی که اولین مرتبه انسانیت و اولین اجتماع کامل است.^۵

افلاطون مدینه را این‌گونه تعریف می‌کند: «کشور و دولت برای این وجود دارد که در خدمت نیازهای آدمیان باشد، اما آدمیان از یکدیگر بی‌نیاز نیستند، بلکه در تولید و آوردن لوازم و مایحتاج زندگی به کمک و همکاری دیگران نیازمندند، از این‌رو یاران و یاوران در یک مرکز و محل سکونت

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب حوزه، قم، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۴۰۲.

۲. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصاح العربیه و الشوارد، ج ۵.

۳. وجدی، فرید، دانه المعارف، ج ۸.

۴. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، انتشارات شرکت سهامی و آموزش انقلاب اسلامی، تهران چاب دوم سال ۱۳۶۹، ص ۲.

۵. جعفر، سجادی، فرهنگ علوم و کلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ج ۲، ص ۶۸۴.

گرد می‌آیند و به این محل تجمع نام شهر می‌دهند»^۱.

اجتماع شهری: اجتماعی است ناآرام که گروه کثیری به صورتی انبوه در آن گرد آمده و به وساطت سازمان‌های اجتماعی پیچیده گوناگون مخصوصاً سازمان‌های رسمی با یکدیگر همکاری می‌کنند.^۲

خواجه نصیر الدین طوسی در تعریف مدینه می‌نویسد:

«و مدینه اجتماع اشخاصی بود که به انواع حرفتها و صناعتها تعاونی که سبب تعیش بود می‌کند. و چنان که در حکمت منزلی گفتیم غرض از منزل نه مسکن است بل اجتماع اهل مسکن است به وجهی خاص، این جا نیز غرض از مدینه نه مسکن اهل مدینه است بل جمعیتی مخصوص است میان اهل مدینه. این است معنای آنچه حکما گفته‌اند: الانسان مدنی بالطبع، یعنی محتاج بالطبع الی الاجتماع المسمى بالتمدن»^۳.

از تعریف خواجه نیز معلوم می‌شود که مدینه یعنی محلی که افراد کثیری در آن به منظور خاص گرد می‌آیند.

به طور کلی می‌توان گفت: مدنی بودن قبل از مدرنیته و در ادبیات سیاسی باستان معادل جامعه مدنی (Civilis Societas) برای توصیف دولت شهری به کار می‌رفت که به معنای چارچوبی از قوانین نظم یافته است، زمانی که سیسرون در کتاب جمهوری می‌نویسد «قانون پیوند جامعه‌ای مدنی است» منظور از جامعه مدنی جمعیتی است که در قالب سیاسی و حقوقی نظام یافته است.

در سال ۱۶۷۷ م بوسه در کتابی تحت عنوان سیاست به روایت کتاب مقدس می‌نویسد: جامعه مدنی جامعه‌ای مرکب از انسان‌ها است که تحت لوای یک قانون و یک حکومت زندگی می‌کنند.^۴

بنابراین آنچه در تعریف مدنی بودن از افلاطون و ارسطو و خواجه نصیرالدین طوسی نقل شد همان جامعه‌ای که دارای قانون و نظامی باشد مراد است.

جامعه سیاسی در قرون وسطی هم این واژه به معنای اجتماع سیاسی افراد به کار می‌رفته است.

۱. افلاطون. جمهوری، ترجمه فواد روحانی: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵.

۲. ونیم کیف، اقتباس آریانپور، زمینه جامعه‌شناسی، آگ برن و نیم کوف، اقتباس آریانپور، ص ۲۱۹.

۳. خواجه نصیر الدین محمد بن محمد، طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علی رضا حیدری، تهران، انتشارات

خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۴۶، ص ۳۵۶.

۴. رامین، جهانپگو، رامین، مدینه، دمکراسی، روشنفکران، نشر مرکز چاپ دوم ۱۳۷۸ ص ۱۵.